



اخلاق در مکتب وحی

بیانگر فضائل و رذائل اخلاقی در پرتو قرآن و احادیث اسلامی و کاوش‌های دانشمندان

بخش سوم
<p>آیت‌الله‌العظمی سبحانی</p> <p>سلسله مباحث اخلاقی از مجموعه کامل جلسات «اخلاق در مکتب وحی» مرجع عالی‌قدر آیت‌الله‌العظمی سبحانی هر هفته در «هفته‌نامه افق» حوزه منتشر می‌گردد.</p> <p>در شماره ۷۷۶ مباحثی چون: مبدأ تربیت و سرآغاز آن، ایجاد شخصیت در کودک، انگ‌گذار نبودن تربیت یک بعدی، تکامل اخلاقی همه‌جانبه، امنیت در پرتو پرورش روح، دوری از ستم و اخلاق یونانی در مقایسه با اخلاق اسلامی، مطرح گردید. ادامه این مباحث در شماره پیش رو تقدیم می‌گردد.</p>

• آداب و اخلاق و تفاوت این دو با هم

آداب و اخلاق، محور سخنان مؤذیان و استادان اخلاق است. افراد غیروارد، این دو لفظ را مترادف دانسته و از نظر معنا یکسان می‌اندیشند؛ درحالی‌که نزد محققان، هرکدام برای خود مفهوم جداگانه‌ای دارد.

مقصود از واژه نخست، مراسم حاکم بر زندگی افراد در تعامل اجتماعی است؛ بدون اینکه این مراسم در فطرت انسان‌ها ریشه داشته باشد. همگی می‌دانیم که کیفیت برخورد با دوستان و یاران و یا شیوه تکریم از میهمان در خانه‌ها، جزء آداب به‌شمار می‌روند و به‌همین خاطر به‌مرور ایام تغییرپذیر بوده و دگرگون می‌شوند و از این جهت نمی‌توانند در همه‌جا یکسان باشند. سابقاً در میان متدینان، نشستن در محضر بزرگان بدون کلاه، خلاف ادب بود؛ درحالی‌که در غرب جریان برعکس است؛ ولذا گاهی که به هم می‌رسند، برداشتن کلاه از سر و دو مرتبه نهادن بر آن، جزء آداب به‌شمار می‌رود؛ از این جهت آداب و رفتارها با اختلاف اقوام و اقلیم‌ها مختلف و گوناگون می‌باشند؛ ولی مقصود از اخلاق، احساس یک رشته اموری است که انسان خوبی‌ها و یا بدی‌ها را از درون می‌شوند و چون که جزء خمیر انسان است، در همه افراد یکسان می‌باشد؛ مثلاً در میان همه اقوام، عدالت و دادگری زیبا و ظلم و تجاوز نازیباست تا آنجا که دزدان، در تقسیم اموال مسروقه، همدیگر را به رعایت عدالت و یکسانی دعوت می‌کنند.

در میان تمام اقوام، زیبایی، پاسخ نیکی به نیکی و بد بودن پاسخ آن به بدی، مورد اتفاق است. همه اقوام عمل به پیمان را تحسین نموده و نقض آن را تنقیص می‌کنند؛ ولذا در تمام دادگاه‌ها و مجامع بین‌المللی، یک رشته اصول مشترک است که همگان بر آن اتفاق نظر دارند.

• اندیشه «اخلاق جایگزین دین»

گاهی به‌خاطر نهادینه بودن اخلاق، مسأله «اخلاق جایگزین دین» در افکار جرقه می‌زند؛ زیرا فرض این است که این اصول ندایی است که انسان از

درون می‌شوند و میان اصول اخلاقی و احساس گرسنگی و تشنگی فرقی نیست. بالأخص اگر تعلیم اخلاق با بیان علمی و فلسفی همراه باشد و اتفاقاً از دوران ترجمه تا به امروز، کتاب‌های اخلاق به‌همین روش تألیف شده است. حتی کتاب جامع‌السعادات ملامهدی نراقی و معراج‌السعاده ملاحمد نراقی ^عبه همین روش نوشته شده است.

• اندیشه «علم جایگزین دین»

گاهی این اندیشه به‌صورت دیگر مطرح می‌شود و آن، اندیشه «علم جای‌گزین دین» است. هواداران این نظریه می‌گویند: فکر بشر افق‌های تاریک را روشن ساخته و بر اثر مجاهدت‌ها، مصالح و مفاسد را شناسایی کرده است. بنابراین اگر در تحصیلات دانشگاهی معرفی مصالح و مفاسد صورت گیرد معلمان، انسان‌های متوازن و معتدل را تحویل جامعه می‌دهند.

• دو اندیشه خام

هر دو اندیشه یک نوع لعبی است شیرین؛ اما درون آن‌هی و یا تلخ است؛ زیرا انسان هرچند اصول اخلاقی را از درون احساس می‌کند و انگیزه باطنی دارد و یا زشتی و زیبایی ظلم و عدل را درک می‌کند و یا در پرتو علم با ضررهای آمیزش‌های حرام آشنا می‌باشد؛ اما در برابر چنین انگیزه، انسان انگیزه‌های دیگری نیز دارد که مبدأ آن نفس‌آماره است. همین انسان با دو قوه معروف به‌نام شهوت و غضب همراه است که اگر عامل بازدارنده نباشد، برای اشیاء این دو، حد و مرزی نمی‌شناسد؛ به‌گونه‌ای که اخلاق و دانش‌ها در برابر آتش شعله‌ور شهوت و غضب، بسیار ناتوان و کم‌سو می‌باشند و بازدارندگی خود را از دست می‌دهند.

به‌گواه اینکه آتش‌بیار جنگ‌های جهانی که نتیجه آن، کشتار میلیون‌ها انسان از مرد و زن و کودک بود، تحصیل‌کرده‌ها و فارغ‌التحصیل‌های دانشگاه‌ها بوده و مسائل اخلاقی و علمی را به‌خوبی می‌شناختند؛ اما برای گسترش قدرت و اشیاع خواسته‌های درونی، حد و مرزی قائل نبودند.

• جاهلیت در لباس تمدن صنعتی

در اینکه بشرا امروز در پرتو صنعت، بسیاری از دشواری‌های زندگی را پشت سر نهاده؛ حتی در تسخیر فضا گام‌های مؤثری برداشته و بیماری‌های صعب‌العلاج را درمان نموده است، سخنی نیست؛ اما آنچه ما می‌بینیم، ظاهری بیش نیست و باطن و اساس، چیز دیگر است و آن، ترس دولت‌ها از یکدیگر است که آنان را به مسابقه در تسلیحات نظامی واداشته است. بنابراین ملت‌ها و دولت‌ها از درون می‌ترسند و از این جهت، پیوسته مجهز به سلاح‌های نو می‌شوند. این همان حالتی است که بر جاهلیت قبل از اسلام حاکم بود. امیرمؤمنان ^{علیه السلام} وضع قبایل جاهلی را در یک عبارت کوتاه اما پرمعز، چنین بیان کرده است: «شعارها الخوف ودنارها السیف»؛ هر قبیله‌ای از درون خائف و مضطرب و از برون، شمشیر حمایل کرده بودند. «شعار» لباس درونی است که به تن می‌جسبد و «دنار» به لباس بیرونی گفته می‌شود؛ تو گویی ترس بر سراسر وجود آنان حاکم بود و در خواب و بیداری از آنها جدا نبودند و لذا پیوسته دست به شمشیر و سلاح بودند.

این نوع توصیف از جاهلیت، بر زندگی امروز حاکمان غربی و وابستگان آنها نیز صادق است؛ هم‌اکنون که قلم روی این کاغذ در حال جریان است، دو جنگ خان‌مان برانداز در دو نقطه از جهان شعله‌ور است؛ در بیش غرب آسیا، جنگ روسیه و اوکراین و در آفریقا، جنگ نظامیان سودان است. سیاست‌مداران و فرماندهان جنگ در این مناطق، همگی تحصیل‌کرده دانشگاه‌ها بوده و از علم و اخلاق رسمی آگاهی کامل دارند؛ اما نه علم و نه اخلاق، نتوانسته آنها را از این زیاده‌خواهی و قدرت‌طلبی باز دارد؛ ولذا زنان و کودکان و پیران، طعمه آتش‌افروزی آنان شده‌اند. از این بیان نتیجه می‌گیریم که علم و اخلاق، در عین عظمت بازدارنده کامل نیست؛ تا پلیس مخفی درون انسان نباشد، تمدن انسانی پدید نمی‌آید.

• محیط زندگی یا نخستین مهد تربیت

نخستین مهد تربیت، محیط زندگی کودک است. در این مرحله از زندگی، روح تقلید و الگوپذیری بر کودک حاکم می‌باشد و قوه عاقله کاملاً به‌صورت بالقوه و توان است؛ او با چشم و گوش باز خود، به آنچه در محیط زندگی او می‌گذرد، نگاه می‌کند و می‌شنود و پذیرا می‌شود؛ بدون اینکه سود و زیان آن را بسنجد.

دست آفرینش روح تقلید را در کودک نهادینه نموده تا مایه پیشرفت او در زندگی باشد و اگر وی فاقد روح تقلید باشد، یک گام مهم به پیش نمی‌نهد و در سایه همین قوه است که زبان را از گفت‌وگویی پدر و مادر می‌آموزد و دیگر کارها را در پرتو تقلید فرا می‌گیرد.

از این لحاظ، پدر و مادر باید از اصول اخلاقی آگاه بوده و همه را به‌کار بندند تا میوه زندگی هم، بر آن اساس پرورش پیدا کند.

متأسفانه در برخی از خانواده‌ها و پدران و مادران، از شیوه‌های اخلاقی اسلامی آگاه نبوده و در صورت آگاهی چه‌بسا رعایت نمی‌کنند. انتظار میوه شیرین از چنین زندگی‌ای، بسیار دور از انتظار است.

امیرمؤمنان ^{علیه السلام} آراستگی پدر و مادر با اصول اخلاقی را ضمن یک قانون کلی مورد اشاره قرار می‌دهد و می‌فرماید: «من نصب نفسه للناس إماماً فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره؛ ولیکن تأدیه بسیرته قبل تأدیه بلسانه ومعلم نفسه ومؤدبها أحق بالاجلال من معلم الناس ومؤدبهم»؛ کسی‌که خود را در مقام پیشوایی و امام مردم قرار می‌دهد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد، به تعلیم خویش بپردازد و باید تأدیب به عملش، بیش از تأدیب به زبانش باشد. کسی‌که معلم و ادب‌کننده خویشتن است، به احترام سزواتر است، از کسی‌که معلم و مرتبی مردم است.^۲

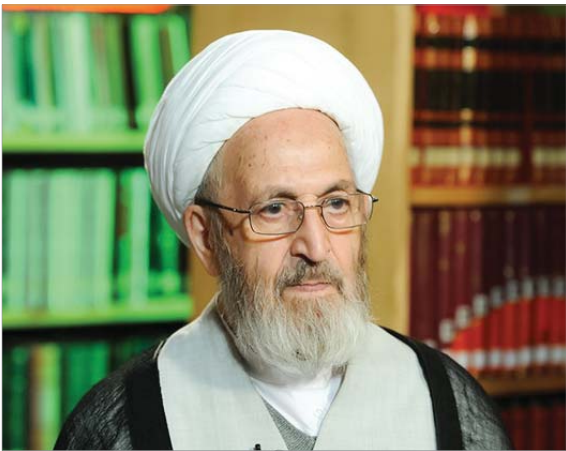
در یکی از سخنان امیرمؤمنان ^{علیه السلام} به الگوپذیری کودک اشاره شده که می‌فرماید: «إنما قلب الحدث كالأرض الخالية مألًقى فيه من شيء قبلته»؛ همانا دل جوان نوره، همچون زمین کشت نشده و بکر است؛ هر بذری در آن بپاشند، می‌پذیرد.^۳

اگر در نخستین مهد تربیت، پرورش کودک به‌طور صحیح انجام بگیرد، پدران و مادران، بزرگترین خدمت را به میوه زندگی خود کرده‌اند؛ لذا دومین شخصیت جهان اسلام امیرمؤمنان ^{علیه السلام} می‌فرماید: «ما نحلّ والد ولداً نحلّاً افضل من أدب حسن»؛ بهترین هدیه‌ای که پدر می‌تواند به فرزند خود بدهد، همانا تربیت پسندیده است.^۴

از آنجا که تربیت فرزندان مسئولیت بزرگی است و بسیاری از افراد آن را آسان می‌شمارند، حضرت ^{علیه السلام} در انجام دادن این وظیفه خطیر از خداوند استمداد می‌کند و در ضمن راز و نیاز با خدا چنین درخواست می‌نماید: «وأعنى على تربيتهم وتأديبهم وبزهم»؛ بارالها! مراد در تربیت و تأدیب فرزندان و نیکی به آنها یاری فرما.

• آشنا ساختن فرزندان به آداب روز

در گذشته یادآور شدیم که ادب، غیر از خلُق و آداب غیر از اخلاق است؛ ادب رسم زندگی است که پیوسته با شرایط زمان و مکان دگرگون می‌شود و ریشه در آفرینش انسان ندارد؛ درحالی‌که اخلاق از خصائص فطری انسان است که در تمام انسان‌ها به‌صورت برابر و یکسان موجود است.



یکی از وظائف پدر و مادر، آشنا ساختن آنها به آداب و رسوم زمان خویش می‌باشد؛ چه‌بسا رسم زندگی در زمان آنان، غیر از رسم زندگی در زمان والدین باشد. جای خرسندی است که امیرمؤمنان ^{علیه السلام} در همان زمان در کلمات حکیمانه خود به این نکته اشاره می‌کند: آنجا‌که می‌فرماید: «لا تقسروا الاولادکم علی أدابکم؛ فانهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم»؛ فرزندان خود را بر شیوه زندگانی خود مجبور نسازید؛ زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

ناگفته پیداست که مقصود امام از آداب، یک سری آموزه‌هایی است که بر موازین اسلامی منطبق بوده؛ ولی فکر بشر در گذشته به آن نرسیده است. بنابراین جدید بودن آداب، نباید مانع از آموزش آنها باشد و به‌جرم اینکه در زندگی پیشینیان نبوده، از آن محروم شوند؛ آنچه لازم است، رعایت موازین دینی در آن آداب است.

• برنامه تربیت پیش از تولد

برخی تصور می‌کنند که تربیت کودک پس از تولد آغاز می‌شودغ درحالی‌که مطلب به‌گونه دیگر است؛ زیرا روحیات پدر و مادر و خوش‌خلقی و بدخلقی، کاملاً در جنین اثرگذار است.

در حدیثی از رسول اکرم ^{صلی الله علیه و آله} به عامل وراثت اشاره نموده و گوینش همسر را گوش‌زد می‌کند و می‌فرماید: «انظر فی أی نصاب تضع ولدک فإن العرق دشاس»؛ بنگر نطفه خود را در چه محلی قرار می‌دهی (از قانون وراثت غافل نباشید)؛ زیرا فرزندان وراثان اخلاق پدران و مادران می‌باشند.

کسی که در فکر فرزند سالم است، باید از همان روزی که به فکر همسر می‌باشد، در انتخاب او دقت کند که او از نظر روحیه و اخلاق چگونه است. رسول گرامی ^{صلی الله علیه و آله} در حدیثی یاران خود را از «خضراء الدمن» هشدار داده و فرمود: «ایاکم وخضراء الدمن».

یاران رسول خدا ^{صلی الله علیه و آله} غرض و مقصود ایشان را درست درک نکردند و گفتند: «وما خضراء الدمن»؛ مقصود شما از خضراء الدمن چیست؟ مفهوم لغوی آن، گیاهان زیباست که در نقاط آلوده می‌رویند. پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} فرمود: مقصود من زن زیبایی است که در خاندان بد و پلید به وجود آمده باشد: «المرأة الحسناء فی منبت سوء».^۷

حدیثی از رسول خدا ^{صلی الله علیه و آله} را هم اهل‌سنت و هم شیعه نقل کرده است و آن اینکه فرمود: «الشقی شقی فی بطن امه والسعيد، سعيد فی بطن امه».^۸ بسیاری از متکلمان در معنای حدیث، دچار بحث و جدل شده و تصور کرده‌اند که مفاد حدیث این است که خداوند در شکم مادر، شقاوت یا سعادت انسان‌ها را ترسیم می‌کند و تمام انسان‌ها، از روز نخست راهی جز دروخ یا بهشت ندارند؛ درحالی‌که حدیث ارتباطی به خوشبختی و بدبختی اخروی ندارد؛ بلکه ناظر به حالات کودک در رحم مادر، از نظر استعداد برای سلامت و بیماری است.

مسئلاً پدر و مادر سالم و نیرومند و دور از روحیات بد و زشت، زمینه‌های خوشبختی کودک خود را ترسیم می‌کنند و در مقابل، پدر و مادرداری که از نظر ملکات اخلاقی در درجه نازل یا از نظر جسمی بیمار بوده باشند، طبعاً کودک نیز آلودگی‌های آنان را به ارث می‌برد.

اینجاست که جوان باید در موقع ازدواج دقت بیشتری کند تا میوه این

ازدواج از نظر روحی و جسمی، کاملاً سالم و نیرومند و خوش‌بو باشد.

• پی‌نوشت‌ها

- نهج‌البلاغه، خطبه ۸۹.
- نهج‌البلاغه، کلمات قصار، شماره ۷۳.
- نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.
- مستدرک الوسائل، ج ۲۷، ص ۶۲۵.
- صحیفه سجاده، دعای ۲۵.
- کلمات قصار، نهج‌البلاغه، ابن‌ابی‌الحدید، شماره ۱۰۲.
- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۵۴.
- بحارالانوار، ج ۳، ص ۴۴؛ تفسیر روح‌البیان، ج ۱، ص ۱۰۴.

اسلامی در حوزه دفاعی برشمرده و اظهار کرد: این اصل پذیرش ظلم و تن به ظلم دادن را محکوم می‌کند و برگرفته از آیات الهی است.

رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا یادآور شد: رهبر معظم انقلاب اسلامی، بارها تأکید فرمودند که بعب اتم در دکترین دفاعی ما جایگاهی ندارد و دنبال سلاح‌های کشتار جمعی نیستیم که این‌گونه موارد، باید برای دانشجویان تبیین شود.

وی تکیه بر سلاح‌های متعارف و پرهیز از سلاح‌های کشتار جمعی و غیرمتعارف را از اصول مورد تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی در دفاع دانست و عنوان کرد: این اصول برگرفته از قرآن کریم است.

حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی، دفاع از مظلومان و مستضعفان را از اصول مورد تأکید اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در دفاع برشمرده و گفت: قرآن کریم در آیات متعددی بر این منظور تأکید دارد و مبنای راهبرد معظم‌له در دفاع از آرمان فلسطین، سوریه، یمن و عراق بر این اصل است.

رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا، در ادامه به تحولات سرزمین‌های اشغالی فلسطین اشاره و بیان کرد: تحولات فلسطین، هزینه‌ای زیادی برای ملت مظلوم و بی‌دفاع فلسطین داشت؛ اما عملیات طوفان‌الاقصى، موجب شکست امپراطوری رسانه‌ای سلطه‌گران شد. وی ادامه داد: تحولات غره موجب بیداری وجدان‌های خاموش بشریت شد و اکنون شاهد تظاهرات ملت‌های مختلف جهان علیه جنایات صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی هستیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی در ادامه، توجه به عمق راهبردی در دفاع را از اصول اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی دانست و افزود: یکی از اصول حاکم، توجه به عمق راهبردی است؛ یعنی اینکه دفتر منطقه حضور داریم و این، تفکر بسیار عمیق و راهبردی معظم‌له بوده است.

رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا، با بیان اینکه عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، تأثیرات زیادی در معادلات داشته است، تأکید کرد: پیامدهای عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران، موجب تضمین امنیت جغرافیای جهان اسلام، دور کردن خطرات و تقویت قدرت بازآزندگی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی اضافه کرد: رژیم صهیونیستی بیش از ۳۵ روز است که غزه را بمباران و برای ورود به این شهر تلاش می‌کند؛ اما رزمندگان شجاع و غیور نیروهای مقاومت اجازه عرض اندام به این رژیم کودک‌کش نمی‌دهند و این، نشان از عمق استراتژیک و تفکر راهبردی بوده که موجب قطع دست قدرت‌های چپاول‌گر از منطقه شده است.

رئیس دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا

تدابیر رهبر معظم انقلاب در عرصه دفاعی مبانی قرآنی دارد



وی عنوان کرد: اصل پنجم در اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی در عرصه دفاعی، نفی سلطه بیگانگان با تکیه بر قاعده «نفی سبیل» است که تسلط کفار بر مسلمانان را در هیچ زمینه‌ای جایز نمی‌شمارد.

حجت‌الاسلام والمسلمین سعیدی، نفی ظلم و ظلم‌پذیری را از اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب